



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

بررسی تطبیقی گرافیک محیطی مدارس دوره اول ابتدایی ایران و فنلاند با رویکرد زیباشناسی

فریبا شاپوریان

استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
fshapourian@gmail.com

ریحانه محسنی کرامت

دانشجو کارشناسی ارشد ارتباط تصویری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
Reyhanemohseny20@gmail.com

چکیده

گرافیک محیطی به مثابه بخشی مؤثر از فضای آموزشی، نقش مهمی در شکل‌گیری تجربه زیباشناختی کودکان دارد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل ویژگی‌های گرافیک محیطی مدارس دوره اول ابتدایی ایران و فنلاند، با رویکرد زیباشناسی و مبتنی بر نظریه هرمنوتیکی گادامر انجام شده است. این پژوهش از نظر روش، کیفی و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی، تحلیل تصاویر و بررسی میدانی مدارس نمونه گردآوری شده است. شاخص‌های زیباشناسی گادامر شامل درک و فهم، پیش‌فهم‌ها، بازی، تجربه زیباشناختی، هم‌افقی افق‌ها و نماد و بازنمایی به مثابه متغیرهای تحلیلی مبنای بررسی تطبیقی قرار گرفتند. نتایج حاصل از تحلیل نمونه‌های موردی نشان می‌دهد که در مدارس فنلاند، گرافیک محیطی به صورت آگاهانه، یکپارچه و متناسب با شاخص‌های زیباشناسی گادامر طراحی شده و موجب تعامل فعال کودک با محیط و تقویت تجربه زیباشناختی دانش‌آموزان می‌شود. در مقابل گرافیک محیطی در مدارس ایران، اغلب به صورت تزئینی به کار رفته و کمتر به تقویت تجربه زیباشناختی و مشارکت فعال کودک توجه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرافیک محیطی مدارس فقط تزئینی نیست بلکه به مثابه عنصری مؤثر در فرآیند آموزش، شکل‌گیری معنا و ارتقای کیفیت زیباشناختی فضاهای آموزشی است. بر این اساس، می‌توان در جهت بهبود طراحی گرافیک محیطی کودک‌محور در مدارس دوره اول ابتدایی ایران از شاخص‌های زیباشناسی گادامر بهره لازم را برد.

واژگان کلیدی: گرافیک محیطی، فضای آموزشی، زیباشناسی گادامر، تجربه زیباشناختی، کودک، مدارس دوره اول ابتدایی، ایران، فنلاند

مقدمه

امروزه در سطح جهانی از طراحی گرافیک محیطی در فضا‌های درونی و بیرونی جهت بهبود کیفیت بصری در سطح گسترده استفاده می‌شود. با توجه به گستردگی طراحی گرافیک محیطی مفهوم نسبتاً جامع آن را می‌توان چنین بیان کرد که مجموعه عوامل بصری



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

یا طرد شده به کار گرفته شده در محیطی مطلوب و مناسب که بر مخاطب اثر کند و رفتاری را که در پی آن هستیم در او پدید آورد (ایلوخانی، ۱۳۸۸)

بر اساس دیدگاه اسداللهی، گرافیک محیطی شاخه‌ای از طراحی گرافیک است که در پیوند با فضا و معماری، به سازمان‌دهی عناصر بصری و ایجاد نظام ارتباطی معنادار در محیط‌های عمومی می‌پردازد. در این تعریف، گرافیک محیطی نقشی فراتر از تزئین دارد و با بهره‌گیری از نشانه‌ها و ساختارهای بصری، به هدایت، اطلاع‌رسانی و ارتقای تجربه فضایی مخاطب کمک می‌کند. (اسداللهی، ۱۳۸۹) نقش مؤثر فضا و طراحی گرافیک محیطی در میزان علاقه کودکان به محیط آموزشی انکار ناپذیر است؛ چرا که کودکان نیازمند محیطی شورانگیز جهت ارائه بهترین توانایی‌های خود هستند. در واقع می‌توان گفت که محیط یکی از عواملی است که به تحریک خلاقیت و احساس کنجکاوی و رشد کودکان کمک می‌کند. در واقع فضای آموزشی باید مناسب کودکان طراحی شود تا کودک به فضا احساس تعلق پیدا کند.

از شاخص‌های گرافیک محیطی مدارس می‌توان به موارد هماهنگی عناصر بصری، کیفیت نورپردازی، مقیاس و... اشاره کرد که با انتخاب هوشیارانه و استفاده از عناصری چون فرم، بافت و رنگ و ایده مناسب می‌توان به غنای فضا افزود. رنگ و فرم تأثیر زیادی بر سلامت روان، هوش و خلاقیت کودکان دارد چون کودکان در برخی موارد حتی به صورت ناخودآگاه نیز از محیط تأثیر می‌پذیرند. بنابراین طراحی گرافیک محیطی از نظر تأثیرگذاری بر کیفیت آموزشی بسیار مهم و حائز اهمیت است.

فنلاند یکی از کشورهای اروپایی پیشرو در حوزه آموزش و در زمینه طراحی گرافیک محیطی‌های آموزشی بسیار موفق عمل کرده است. با بررسی تجربیات فنلاند و استفاده از فاکتورهای موجود می‌توان مدارس ایران را از لحاظ طراحی گرافیک محیطی به سطح استاندارد‌های جهانی نزدیک کرد.

دوره اول ابتدایی یکی از اساسی‌ترین مقاطع نظام آموزشی محسوب می‌شود؛ زیرا در این مقطع بنیان‌های اولیه یادگیری، ادراک و تعامل اجتماعی کودکان شکل می‌گیرد. دانش‌آموزان در این دوره برای نخستین بار به‌صورت نظام‌مند در یک فضای آموزشی رسمی حضور می‌یابند و تجربه آن‌ها از این فضا بر نگرش آنان نسبت به مدرسه و فرآیند یادگیری تأثیرگذار است. از این‌رو کیفیت فضای فیزیکی مدارس ابتدایی به‌مثابه یکی از عوامل مؤثر بر تجربه آموزشی کودکان، مورد توجه پژوهشگران حوزه آموزش قرار گرفته است (Dudek, 2000)

مطالعات حوزه روان‌شناسی محیط و آموزش نشان می‌دهد که محیط فیزیکی مدرسه به شدت بر رفتار، میزان تمرکز، تعامل اجتماعی و احساس امنیت کودکان اثرگذار است. عناصری نظیر رنگ، فرم، مقیاس، نور و سازمان‌دهی فضا، در کنار یکدیگر تجربه‌ای فضایی را شکل می‌دهند که کودک هر روز با آن مواجه است و این تجربه بر کیفیت یادگیری او تأثیر گذار است بنابراین گرافیک محیطی به‌مثابه بخشی از طراحی محیط، نقش مهمی در سامان‌دهی ارتباطات بصری و انتقال معنا در فضاهای آموزشی ایفا می‌کند. (Barrett et al, 2015)

گرافیک محیطی در مدارس دوره اول ابتدایی نقش مهمی در هدایت فضایی، شکل‌گیری ادراک بصری و تجربه زیباشناختی کودک دارد. با این حال در بسیاری از مدارس ایران، طراحی گرافیک محیطی بدون ارزیابی نظام‌مند و بدون بهره‌گیری از شاخص‌های مشخص زیباشناسی انجام می‌شود؛ به‌گونه‌ای که استفاده نامنسجم از رنگ‌ها، فرم‌ها، نشانه‌ها و تصاویر، در برخی موارد منجر به اغتشاش بصری و کاهش کارایی محیط آموزشی می‌شود. نبود چارچوب تحلیلی مشخص برای شناسایی نقاط ضعف و قوت گرافیک محیطی مدارس، موجب شده است که مداخلات طراحی اغلب سلیقه‌ای و غیرهدفمند باشد. از این‌رو مسئله اساسی در گام نخست، شناسایی و تحلیل نظام‌مند مؤلفه‌های گرافیک محیطی مدارس دوره اول ابتدایی ایران بر اساس معیارهای زیباشناسی و تجربه‌محور است.

در گام دوم بهره‌گیری از تجربیات موفق کشورهای پیشرو به ارائه راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت موجود کمک می‌کند. در این میان فنلاند به‌مثابه یکی از الگوهای شاخص در طراحی فضاهای آموزشی کودک‌محور، نمونه‌هایی موفق از گرافیک محیطی



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

مبتنی بر سادگی بصری، کنترل رنگ، نشانه‌گذاری معنادار و مشارکت فعال کودک را ارائه می‌دهد. تحلیل تطبیقی گرافیک محیطی مدارس ایران و فنلاند این امکان را فراهم می‌آورد که پس از شناسایی چالش‌ها و کاستی‌های موجود، راهکارهایی مبتنی بر تجربه‌های موفق و بومی‌سازی شده استخراج شود. بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان با تحلیل زیباشناسی گرافیک محیطی مدارس ایران و مقایسه آن با الگوهای موفق فنلاند، زمینه ارتقای کیفیت بصری و تجربه فضایی کودک در مدارس دوره اول ابتدایی را فراهم کرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی - تطبیقی است و با رویکرد زیباشناسی انجام شده است. از تحلیل محتوای بصری به صورت روش اصلی داده‌کاوی استفاده شده است، چرا که گرافیک محیطی ماهیتی بصری و فضایی دارد و برای بررسی آن باید داده‌های تصویری، نشانه‌ها، رنگ‌ها، چیدمان‌های فضایی و عناصر پیام‌رسان به صورت نظام‌مند تحلیل شود. چارچوب نظری تحلیل، ترکیبی از مفاهیم زیباشناسی محیطی و هرمنوتیک گادامر است که مبنای انتخاب شاخص‌ها و کدگذاری‌ها قرار گرفته است در این روش داده‌ها شامل تصاویر، گزارش‌ها، نقشه‌های معماری، مستندات طراحی، استانداردهای آموزشی و منابع رسمی مربوط به گرافیک محیطی مدارس است.

جامعه آماری این پژوهش شامل نمونه‌های گرافیک محیطی فضاهای آموزشی مدارس دوره اول ابتدایی ایران و فنلاند است. در این پژوهش از سه مدرسه ابتدایی کرج عکس برداری شد و همچنین از تصاویر گرافیک محیطی مدارس فنلاند که در وبسایت‌های معتبر مدارس این کشورها موجود بود استفاده شده است. مدارس ایران عبارت‌اند از: مدرسه الهام شریعت سال ساخت ۱۳۸۴، مدرسه امام خمینی سال ساخت ۱۳۷۸، مدرسه شهید گودرزی سال ساخت ۱۳۶۲

مدارس فنلاند عبارت‌اند از: Saunalahti School سال ساخت ۲۰۱۲، Niemenranta Elementary School سال ساخت ۲۰۱۲، Timber school سال ساخت ۲۰۱۸

روش‌ها و ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر شامل روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است. در روش کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز با فیش برداری از منابع مکتوب (کتاب‌ها، مقالات، نشریات، گزارش‌ها) و جستجو در شبکه‌های اینترنتی استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

در این پژوهش از شاخص‌های بصری گرافیک محیطی مانند رنگ، فرم، تاپوگرافی، نشانه، فضا و حرکت به مثابه ابزارهای عینی تحلیل استفاده شده است و به تبع آن‌ها میزان تحقق متغیرهای زیباشناسی برگرفته از نظریه گادامر یعنی تجربه، بازی، فهم، نماد، پیش‌فهم‌ها و هم‌افقی افق‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

بر اساس دیدگاه گادامر فهم امری از پیش تعیین‌شده نیست؛ بلکه فرآیندی پویا است که در جریان رویارویی مخاطب با فضا شکل می‌گیرد. در این دیدگاه گرافیک محیطی مدارس بستری برای مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند فهم و آمیختگی افق‌های معنایی است ولی در نقطه مقابل ممکن است به ابزاری برای انتقال یک‌سوی معنای نیز بدل شود (Gadamer, 2004).

توصیف متغیر

تجربه زیباشناختی در گرافیک محیطی

در این پژوهش تجربه زیباشناسانه به کیفیت مواجهه‌ی دانش‌آموز با گرافیک محیطی مدرسه گفته می‌شود؛ این مواجهه فقط مشاهده نیست بلکه شامل ادراک حسی، هیجانی و مشارکت فعال کودک در فضا است؛ یعنی این تجربه و معنا زمانی شکل می‌گیرد که کودک با فضای گرافیک محیطی وارد رابطه‌ای فعال شود (Gadamer, 2004). در تحلیل مدارس نمونه، این متغیر از طریق بررسی رنگ، فرم، مقیاس، میزان تعامل‌پذیری و آثار دانش‌آموزان در گرافیک محیطی مورد توجه قرار می‌گیرد.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

بازی در گرافیک محیطی

بازی در این پژوهش به مثابه یکی از مؤلفه‌های اصلی شکل‌گیری فهم در اندیشه گادامر است. بازی به معنای ایجاد امکان حرکت، کشف، مشارکت و تفسیر آزادانه کودک در مواجهه با عناصر گرافیکی فضا است. در مدارس، بازی به معنای امکان مشارکت فعال کودک است که او را از حالت مخاطب منفعل خارج کرده و به کنش در فضا دعوت می‌کند (Gadamer, 2004).

بازنمایی و نماد

به باور گادامر، بازنمایی و نمادپردازی شیوه‌هایی است که از طریق آن‌ها مفاهیم، ارزش‌ها و معانی در فضای مدرسه به تصویر کشیده می‌شود. در این پژوهش بر تثبیت معنا در نمادها تأکید می‌شود؛ یعنی عناصر بصری باید به گونه‌ای باشد که امکان تفسیر چندلایه را فراهم کند نه اینکه با پیام‌های مستقیم و قطعی معنا را تحمیل کند (Gadamer, 2004).

درک و فهم

در این پژوهش فرآیند درک و فهم به نحوه‌ی مواجهه‌ی کودک با گرافیک محیطی و چگونگی شکل‌گیری معنا در ذهن او اشاره دارد. در فضای آموزشی، گرافیک محیطی می‌بایست زمینه‌ساز فهم تدریجی، غیرمستقیم و غیرتحمیلی باشد؛ فهمی که از تعامل کودک با فضا به دست می‌آید (Gadamer, 2004). کودک با امکان تفسیر این متغیر، تجربه و بازتولید معنا را تجربه می‌کند و در تحلیل نمونه‌ها، این جنبه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

پیش‌فهم‌ها

پیش‌فهم‌ها به مجموعه‌ی تجربیات، باورها و زمینه‌های فرهنگی گفته می‌شود که با کودک به فضای مدرسه می‌آید و بر فرآیند فهم او تأثیر می‌گذارد. گرافیک محیطی گاه با این پیش‌فهم‌ها پیوند برقرار می‌کند و گاه در تقابل با آن‌ها قرار می‌گیرد. بنابراین در این پژوهش، گرافیک محیطی از منظر هم‌خوانی یا تقابل آن با پیش‌فهم‌های کودک؛ به‌ویژه نقش عناصر بومی، فرهنگی و طبیعت‌محور بررسی می‌شود (Gadamer, 2004).

هم‌افقی افق‌ها

هم‌افقی افق‌ها فرایندی است که در آن افق معنایی کودک، معلم و فضای آموزشی در یک تعامل پویا با هم تلفیق شده و معنایی به وجود می‌آورد. در فضای مدرسه این مفهوم زمانی محقق می‌شود که کودک، معلم و محیط آموزشی در تولید معنا سهیم باشند و گرافیک محیطی بستری برای این آمیختگی فراهم آورد. در این پژوهش تحقق این مفهوم از طریق بررسی نقش گرافیک محیطی در ایجاد تعامل، مشارکت و گفت‌وگوی معنایی میان کاربران فضا بررسی می‌شود (Gadamer, 2004).

نتایج کاربردی	متغیرهای طراحی گرافیک محیطی	متغیر زیباشناختی
درگیری حسی - هیجانی کودک با محیط؛ شکل‌گیری و تقویت دید زیباشناسانه	زیباسازی بارنگ؛ نور؛ مقیاس؛ فرم؛ حرکت؛ تنوع؛ ریتم؛ هماهنگی	تجربه زیباشناختی
افزایش جذابیت فعالیت‌ها؛ تعامل با فضا؛ آزادی؛ تحرک؛ مشارکت؛ یادگیری فعال	ایجاد فضا‌های تعاملی؛ فرم‌های پویا و انعطاف‌پذیری فضا و امکان حرکت؛ مشارکت فعال و آزادانه کودک	بازی
درک چند لایه معنا؛ انتقال پیام‌های مستقیم و غیرمستقیم	به کارگیری نشانه‌ها؛ نوشتارهای تصویری و تصویرسازی؛ دیوارنگاره‌های فرهنگی	بازنمایی و نماد
فهم تدریجی معنا؛ یادگیری مسیریابی و تعامل با فضا	ایجاد نظم در فضا؛ سادگی و خوانایی بصری؛ به کارگیری گرافیک مسیریاب	درک و فهم
ایجاد پیوند میان تجربه کودک با مفاهیم ارائه شده در فضای گرافیک محیطی مدرسه	به کارگیری تصاویر آشنا؛ نمادهای بومی؛ ارجاعات فرهنگی	پیش‌فهم‌ها
مشارکت دانش آموز در تولید معنا؛ آمیختگی افق کودک-معلم - محیط آموزشی	انعطاف‌پذیری گرافیک محیطی؛ ایجاد امکان مشارکت با فضا	هم‌افقی افق‌ها



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

جداول مقایسه تطبیقی مدارس (منبع: نگارنده)

ردیف	فضا	فنلاند	ایران	مقایسه تطبیقی
۱	نما			در نمونه فنلاندی فرم منحنی و رنگ یکپارچه و در خدمت ایجاد هویت فضایی و تجربه زیباشناختی است. سادگی، مقیاس انسانی و پیوند با طبیعت، امکان درک تدریجی و شکل‌گیری ارتباط معنادار کودک با فضا را فراهم می‌کند. در نمونه ایرانی، نما دارای بیان رسمی و تقارن محور است؛ کارکرد رنگ و فرم بیشتر نمادین است تا تجربه محور. عناصر گرافیکی محدود به نشانه‌های هویتی و تزئینات مناسبتی است.
۲	نما			در نمونه فنلاندی نما با فرم های پویا و متحرک موجب جذابیت و نورپردازی زرد گرمای دلپذیری به شرایط اقلیمی سرد می دهد. نما بستری برای تجربه ی زیباشناختی فعال است. در نمونه ایرانی، نما یکنواخت، با ریتم تکراری خشک و فاقد تنوع بصری است؛ و کمتر با ادراک کودک هماهنگ بوده و بیان بصری آن بیشتر عملکردی و خنثی است تا تجربه محور.
۳	حیات			در نمونه فنلاندی طراحی حیاط به صورت چندمنظوره است. تنوع رنگ، مصالح، مقیاس و فرم، فضا را به محیطی پویا و دعوت کننده تبدیل کرده و امکان بازی، تعامل و تجربه فعال را در پیوند با معماری فراهم می‌کند. در نمونه ایرانی حیاط خنثی و امکان بازی موجود است. سازمان دهی فضایی و طراحی گرافیکی مشاهده نمی شود و تجربه زیباشناختی منفعل است.
۴	حیات			در نمونه فنلاندی معماری، نور، مقیاس و فضای باز به صورت هماهنگ طراحی شده است؛ حیاط به بستری برای تعامل، پویایی و تجربه زیباشناختی تبدیل شده و کودک در ارتباطی فعال با محیط قرار می‌گیرد. در نمونه ایرانی، به رغم فضای مناسب طراحی گرافیک محیطی انجام نشده و تجربه عملکردی محدود است.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

<p>در نمونه فنلاندی استفاده هدفمند از رنگ، نور و توجه به مقیاس انسانی، حرکت در راه‌پله را به تجربه‌ای پویا و جذاب تبدیل کرده و فضا از حالت عبوری به بستری برای تجربه زیباشناختی فعال ارتقا یافته است. در نمونه ایرانی راه‌پله فضایی خنثی و فقط عملکردی است؛ عناصر گرافیکی محدود و تجربه زیباشناختی کودک کمتر مورد توجه قرار گرفته است.</p>			راه پله	۵
<p>در نمونه راه پله فنلاندی سادگی، هماهنگی مصالح دیده می‌شود؛ در نمونه ایرانی رنگ و نوشته روی پله‌ها برای ایجاد جذابیت بصری به کار رفته، اما این عناصر بیشتر تشتت بصری ایجاد کرده و با فضا هماهنگ نیست و به ایجاد زیبایی منجر نشده است؛ بنابراین تجربه زیباشناختی عمیق شکل نمی‌گیرد</p>			راه پله	۶
<p>در نمونه فنلاندی رنگ یک دست، نورپردازی هدفمند و سادگی فرمی، راه پله را به فضایی یا بیان بصری تبدیل کرده است. فضا با ایجاد کیفیت حسی متمایز، تجربه حرکت را جذاب کرده و ادراک فضایی کودک را شکل می‌دهد. در نمونه ایرانی تلاش برای ارتباط راه پله با فضای راهرو نتیجه خاصی نداشته و تجربه حرکت در فضا خنثی و فقط عملکردی است.</p>			راه پله	۷
<p>در نمونه فنلاندی طراحی سالن، استفاده از نور طبیعی و ارتفاع سقف به صورت یکپارچه عمل کرده و فضایی باز و تعامل‌محور ایجاد کرده است و باعث شکل‌گیری تجربه زیباشناختی فعال می‌شود. در نمونه ایرانی به رغم ارتفاع کم و نورگیری نامناسب، دیوارنگاره‌ها با قدرت بصری زیاد باعث کوچکی و سنگینی فضا شده و تجربه زیباشناختی نامناسبی ایجاد کرده است.</p>			سالن	۸



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

<p>در نمونه فنلاندی سادگی فرم، نور طبیعی و رنگ درها به صورت هدفمند انتخاب شده است؛ گرافیک محیطی در تعامل با معماری عمل کرده و موجب خوانایی بیشتر فضا، آرامش بصری و تجربه‌ای معنادار در حین حرکت می‌شود. در نمونه ایرانی راهرو با دیوارنگاره‌ها و رنگ‌های متنوع پوشیده شده که با هم و فضای راهرو پیوند منسجمی ندارد؛ فضا سنگین و حرکت در آن خسته کننده است.</p>			<p>راهرو</p>	<p>۹</p>
<p>در نمونه فنلاندی سازمان‌دهی رنگ و فضاهای نشستن در دل معماری شکل گرفته و علاوه بر هدایت، امکان مکث و تعامل را فراهم می‌کند؛ در نتیجه راهرو از فضای عبوری صرف به فضایی تجربه‌محور و معنادار تبدیل می‌شود. در نمونه ایرانی راهرو با نصب عناصر الحاقی و مقطعی تزئین شده و جذابیتی ایجاد نشده است. بنابراین تجربه حرکتی در راهرو منفعلانه است؛ و تجربه زیباشناختی مفیدی ایجاد نمی‌کند</p>			<p>راهرو</p>	<p>۱۰</p>
<p>در کلاس‌های فنلاند سازمان‌دهی فضا، انعطاف‌پذیری چیدمان مبلمان، استفاده هدفمند از رنگ و فرم، امکان بازی و تعامل را فراهم کرده و موجب شکل‌گیری تجربه زیباشناختی فعال و تقویت درک و فهم در پیوند با پیش‌فهم‌های کودک می‌شود. در کلاس‌های ایران، چیدمان خطی صندلی و میز، غلبه رویکرد آموزشی عناصر تزئینی، تجربه زیباشناختی محدود شده است. به این ترتیب طراحی فضا نقش کودک را در فرآیند معناسازی و هم‌افقی افق‌ها کمرنگ می‌کند.</p>			<p>کلاس</p>	<p>۱۱</p>
<p>در نمونه فنلاندی چیدمان انعطاف‌پذیر و گرافیک در پیوند با معماری است؛ رنگ، نور و مبلمان در جهت تعامل و یادگیری تجربه‌محور سازمان یافته و زمینه شکل‌گیری فهم عمیق‌تر و پیوند پیش‌فهم‌ها را فراهم می‌کند. در نمونه ایرانی چیدمان خطی و معلم‌محور است و گرافیک محیطی فقط به تزئین دیوارها محدود می‌شود؛ رنگ و عناصر بصری انسجام مفهومی ندارد و مشارکت و تجربه فعال کودک محدود است.</p>			<p>کلاس</p>	<p>۱۲</p>



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

در نمونه فنلاندی فضا چندمنظوره، باز و تجربه‌محور است؛ رنگ، مقیاس و هماهنگی فضایی امکان بازی، تعامل و درگیری فعال کودک را فراهم کرده و به شکل‌گیری فهم عمیق‌تر و تجربه زیباشناختی پویا می‌انجامد. در نمونه ایرانی، فضا تک‌کارکردی، کم‌تحرک و فاقد هویت بصری منسجم است؛ رنگ و گرافیک محیطی نقش حداقلی دارد و تجربه زیباشناختی منفعل است.			کلاس	۱۳
در نمونه فنلاندی چیدمان، مبلمان و طراحی یکپارچه فضا، محیطی پویا و کودک‌محور ایجاد کرده که کنجکاوی، مشارکت و تجربه فعال را تقویت می‌کند. در نمونه ایرانی کتابخانه فضایی خنثی و ایستا دارد و گرافیک محیطی نقش فعالی در ایجاد تعامل و تجربه زیباشناختی ایفا نمی‌کند.			کتابخانه	۱۴
در نمونه فنلاندی نور، رنگ و سازمان‌دهی فضا به صورت هماهنگ طراحی شده و محیطی پویا و کودک‌محور ایجاد کرده که تعامل، بازی و تجربه فعال را تقویت می‌کند. در نمونه ایرانی فضا کارکردی است و فضای مناسبی برای بازی و تعامل کودکان وجود دارد. انتخاب رنگ در طراحی گرافیک محیطی نقش مثبتی ندارد و فضا را سنگین و غمگین کرده است. بنابراین در تقویت تجربه زیباشناختی و ایجاد انگیزه حرکتی موفق عمل نکرده است.			سالن ورزشی	۱۵

جدول بررسی مدارس ایران بر اساس متغیرهای زیباشناسی گادامر

ردیف	متغیرهای زیباشناسی گادامر	مدرسه امام خمینی	مدرسه الهام شریعت	مدرسه شهید گودرزی
۱	تجربه زیباشناختی	درگیری حسی محدود و غیرفعال	فاقد عمق حسی پایدار	درگیری حسی محدود و آشفتگی بصری
۲	بازی	مسیرهای حرکتی کنترل شده، مشارکت محدود	عدم طراحی فضا به صورت انعطاف پذیر	تکرار فرم‌های تزئینی، فاقد ایجاد جذابیت بصری
۳	بازنمایی و نماد	استفاده از نمادهای مستقیم	استفاده از نمادهای مستقیم	استفاده از نمادهای مستقیم
۴	درک و فهم	عدم وجود امکان کشف تدریجی مفاهیم	پیام‌رسانی سطحی	محدود به انتقال پیام
۵	پیش‌فهم‌ها	پیوند نسبی با فرهنگ محلی، تأکید بر ارزش‌های تعیین شده	ارجاع به الگوهای آموزشی و فرهنگی آشنا اما محدود	تأکید بر گفتمان رسمی و ارزش تعیین شده



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

محیط افق معنایی را مشخص می‌کند و نقش کودک انفعالی است	محیط افق معنایی را مشخص می‌کند و نقش کودک انفعالی است	محیط افق معنایی را مشخص می‌کند و نقش کودک انفعالی است	هم افقی افق‌ها	۶
---	---	---	----------------	---

جدول بررسی مدارس فنلاند بر اساس متغیرهای زیباشناسی گادامر

ردیف	متغیرهای زیباشناسی گادامر	Niemenranta school	Saunalahti school	Timber school
۱	تجربه زیباشناختی	امکان تجربه تدریجی و حسی از طریق نور طبیعی، رنگ‌های ملایم و بافت طبیعی	طراحی گرافیک محیطی هماهنگ با فضا و مفهوم کودک محوری	امکان تجربه عمیق حسی مبتنی بر عناصر طبیعی
۲	بازی	وجود فضاهای گسترده و انعطاف‌پذیر و امکان حرکت آزادانه	وجود فضاهای چند منظوره، تعاملی و مشارکت‌پذیر	وجود محیط آرامش‌بخش، اکتشافی و غیرتحمیلی
۳	بازنمایی و نماد	طراحی فضای چندلایه و طبیعت‌محور	نمادهای مینیمال و امکان تفسیر آزادانه	بازنمایی غیرمستقیم، استعاره‌ای و طبیعت‌گرا
۴	درک و فهم	فهم تدریجی و تجربی در تعامل با فضا	فهم مبتنی بر مواجهه و مشارکت	فهم تاملی و غیرتحمیلی
۵	پیش‌فهم‌ها	پیوند با طبیعت	تطابق طراحی فضا با زندگی روزمره	پیوند عمیق با محیط بومی و طبیعت
۶	هم‌افقی افق‌ها	مشارکت فعال کودک در معناپردازی فضا	حضور پررنگ آثار دانش‌آموزان و انعطاف گرافیک محیطی	آمیختگی افق کودک، فضا و آموزش

گرافیک محیطی در اغلب مدارس ایران بر اساس اصول روان‌شناسی کودک و کیفیت فضایی و بصری یکپارچه طراحی نشده است. به نظر می‌رسد استفاده از رنگ، فرم، نوشته و نشانه‌ها در مدارس فنلاند هدفمندتر و مؤثرتر است. در بررسی سه مدرسه دوره ابتدایی کرج که نمونه مدارس ایران بود به نظر می‌رسد که اصول روان‌شناسی کودک و کیفیت فضایی و بصری مناسب این رده سنی در طراحی گرافیک محیطی مورد نظر قرار نگرفته است.

در مدارس ایرانی مورد بررسی، گرافیک محیطی فاقد انسجام بصری و هویت یکپارچه است. استفاده هم‌زمان از تصاویر متنوع، رنگ‌های تند، نوشتار متراکم و شعارگونه؛ نبود توجه به توان ذهنی و ادراک بصری و مقیاس کودک منجر به کاهش کیفیت زیبایی فضا شده است. انعطاف‌پذیری و مشارکت کودکان در فضا طراحی نشده و در عوض به نظر می‌رسد در این مدارس آشفتگی بصری مشاهده می‌شود. در مدارس فنلاند با بهره‌گیری از رنگ‌های ملایم، فرم‌های ساده، حذف نوشتار و هماهنگی گرافیک محیطی با معماری، رویکردی هدفمند و مبتنی بر روان‌شناسی کودک اتخاذ شده است.



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

تحلیل تطبیقی نشان داد که در مدارس ایرانی، گرافیک محیطی بیشتر کارکرد ابزاری، آموزشی و تزئینی دارد و اغلب در خدمت انتقال پیام‌های مستقیم قرار گرفته است. فقدان تجربه ادراکی، تراکم بصری و نبود امکان مواجهه تأملی و تعاملی با فضا، نشان‌دهنده کم‌توجهی به زیباشناسی به‌مثابه عاملی مهم در رویداد فهم است. در حالی که در مدارس فنلاند، زیباشناسی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند یادگیری و رفاه کودک تلقی می‌شود.

بر اساس بررسی‌ها و تحلیل‌های انجام شده نوع مواجهه کودک با گرافیک محیطی، تأثیر مستقیمی بر شیوه ادراک، فهم و تجربه او از فضا دارد. در مدرسی که گرافیک محیطی امکان بازی، تفسیر و مشارکت را فراهم می‌کند، کودک در فرایندی فعال با محیط تعامل سازنده برقرار می‌کند و در جریان معناپردازی قرار می‌گیرد. این امر با دیدگاه گادامر مبنی بر شکل‌گیری فهم در جریان تجربه و مواجهه مطابقت دارد.

نتایج جدول تطبیقی نشان می‌دهد که مدارس فنلاندی از انسجام میان رنگ، فرم، فضا و معنا برخوردارند و گرافیک محیطی در آن‌ها به‌صورت یک سیستم یکپارچه عمل می‌کند. این انسجام موجب تحقق بهتر مؤلفه‌های بازی، تجربه زیباشناسانه و هم‌افقی افق‌ها شده است. در مقابل، در مدارس ایرانی رویکرد پیام‌محور غلبه دارد و پراکندگی بصری دیده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عناصر زیباشناسی در طراحی گرافیک محیطی مدارس دوره اول ابتدایی، در ایران و فنلاند با رویکردها و کیفیت‌های متفاوتی به کار گرفته شده‌اند. این عناصر شامل رنگ، فرم، نشانه، تایپوگرافی، مقیاس، ریتم بصری و نحوه سازمان‌دهی آن‌ها در فضا است که هر یک نقش مؤثری در شکل‌گیری تجربه زیباشناختی کودک ایفا می‌کنند.

در مدارس ایران به‌کارگیری عناصر زیباشناسی اغلب به‌صورت جزئی، موضعی و ناپیوسته مشاهده می‌شود. رنگ‌ها بیشتر به شکل مستقیم، پرکنتراست و تزئینی بر دیوارها بکار گرفته شده‌اند و عناصر گرافیکی دوبعدی استفاده شده بیشتر کارکرد آموزشی یا اطلاع‌رسانی صریح دارند. فرم‌ها و نشانه‌ها اغلب ساده، تکرارشونده و فاقد لایه‌های تفسیری‌اند و تایپوگرافی نیز اغلب تابع انتقال پیام آموزشی است. در این رویکرد، عناصر زیباشناسی کمتر با ساختار فضایی، مسیر حرکت کودک و معماری مدرسه پیوند برقرار می‌کنند و در نتیجه، تجربه زیباشناختی بیشتر به دریافت بصری محدود می‌شود.

در مقابل در مدارس فنلاند عناصر زیباشناسی به‌صورت یکپارچه، فرآیندی و تجربه‌محور در کل فضا حضور دارد. رنگ نه تنها عنصری تزئینی، بلکه به‌مثابه ابزار هدایت و تقویت حس مکان به کار رفته است. فرم‌ها اغلب نرم، دعوت‌کننده و متناسب با مقیاس کودک طراحی شده‌اند و نشانه‌ها به‌گونه‌ای شکل گرفته‌اند که امکان تفسیر، کشف و بازی ذهنی را فراهم می‌کنند. تایپوگرافی و نشانه‌های بصری نیز در تعامل با فضا، نور و حرکت کودک معنا می‌یابند و از حالت اطلاع‌رسان صرف خارج می‌شوند.

از منظر زیباشناسی گادامر می‌توان گفت عناصر زیباشناسی در مدارس فنلاند زمینه‌ساز تجربه، بازی و فهم تفسیری هستند و کودک را وارد فرایند معناپردازی می‌کنند؛ در حالی که این عناصر در مدارس ایران بیشتر در سطح انتقال معنا باقی مانده و کمتر امکان شکل‌گیری تجربه زیباشناختی عمیق و مشارکتی را فراهم می‌سازند.

در مجموع، نحوه به‌کارگیری عناصر زیباشناسی در مدارس فنلاند نشان‌دهنده رویکردی آگاهانه در پیوند میان گرافیک محیطی، روان‌شناسی کودک و تجربه فضایی است؛ در حالی که در مدارس ایران، علی‌رغم استفاده از عناصر بصری متنوع، انسجام زیباشناختی و پیوند آن‌ها با تجربه زیسته کودک نیازمند تقویت و بازنگری اساسی است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، درک زیباشناختی کودک در مواجهه با گرافیک محیطی مدارس دوره اول ابتدایی، فرآیندی تدریجی، تجربی و وابسته به تعامل کودک با فضا است. این درک نه فقط از طریق مشاهده عناصر بصری، بلکه در بستر تجربه زیسته، حرکت در فضا، بازی، پیش‌فهم‌های ذهنی و ارتباط مداوم او با محیط شکل می‌گیرد.

مطابق با نظریه زیباشناسی هرمنوتیکی گادامر، فهم زیباشناختی امری ایستا و از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه در جریان تعامل میان



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

مخاطب و اثر پدید می‌آید. در فضای آموزشی، کودک به‌مثابه مخاطبی فعال، از طریق مواجهه مکرر با عناصر گرافیک محیطی نظیر رنگ، نشانه، فرم، ریتم و مقیاس به تدریج وارد فرایند معناپردازی می‌شود. این فرایند در پیوند با تجربه، بازی و پیش‌فهم‌های کودک معنا می‌یابد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در مدرسی که گرافیک محیطی به‌صورت یکپارچه با فضا طراحی شده و امکان تعامل، کشف و مشارکت کودک را فراهم می‌کند، درک زیباشناختی کودک عمیق‌تر و پایدارتر شکل می‌گیرد. در چنین فضاهایی، کودک نه‌تنها عناصر بصری را می‌بیند، بلکه آن‌ها را تجربه می‌کند، با آن‌ها بازی می‌کند و در جریان حرکت روزمره خود به‌صورت ناخودآگاه معناهای تازه‌ای می‌سازد. این امر به‌ویژه در نمونه‌های مدارس فنلاند به‌وضوح قابل مشاهده است؛ جایی که گرافیک محیطی به بخشی از تجربه فضایی کودک تبدیل شده است.

در مقابل در مدرسی که گرافیک محیطی به‌صورت تزئینی، مقطعی و بدون پیوند عمیق با فضا و فعالیت‌های کودک طراحی شده است، درک زیباشناختی کودک محدود به دریافت سطحی و کوتاه‌مدت باقی می‌ماند. در این حالت، عناصر بصری کمتر وارد حوزه تجربه و بازی می‌شوند و امکان شکل‌گیری فهم تفسیری و هم‌افقی افق‌ها میان کودک و فضا کاهش می‌یابد.

در مجموع می‌توان گفت درک زیباشناختی کودک در مواجهه با گرافیک محیطی، زمانی به‌صورت مؤثر شکل می‌گیرد که طراحی محیطی فراتر از انتقال پیام عمل کرده و زمینه‌ای برای تجربه، بازی، تعامل و تفسیر فراهم آورد؛ فرآیندی که بر اساس دیدگاه گادامر، مبتنی بر پیوند میان فهم، تجربه و دنیای کودک است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زیباشناسی گرافیک محیطی در مدارس دوره اول ابتدایی نقشی فراتر از زیباسازی فضا ایفا می‌کند و عاملی مؤثر در شکل‌گیری تجربه فضایی، ادراک زیباشناختی، احساس تعلق و کیفیت تعامل کودک با محیط آموزشی است. این نقش در مدارس ایران و فنلاند، به‌دلیل تفاوت در شیوه‌های طراحی، نظام آموزشی و توجه یا عدم توجه به کودک‌محوری در طراحی گرافیک محیطی، به شیوه‌های متفاوتی بروز یافته است.

در مدارس فنلاند زیباشناسی گرافیک محیطی به‌مثابه بخشی یکپارچه از طراحی فضا و فرآیند یادگیری در نظر گرفته شده است. عناصر بصری با توجه به مقیاس کودک، رنگ‌های همدمند، نشانه‌های معنادار و امکان تعامل و بازی، فضایی پویا و تجربه‌محور ایجاد می‌کند. در این فضاها، زیباشناسی نه‌تنها به درک بصری کودک کمک می‌کند، بلکه از طریق تجربه، بازی و مشارکت، به شکل‌گیری فهم زیباشناختی عمیق‌تر و هم‌افقی افق‌ها میان کودک و محیط منجر می‌شود. بدین ترتیب، گرافیک محیطی در مدارس فنلاند نقش فعالی در ارتقای کیفیت آموزشی، افزایش انگیزه حضور در فضا و تقویت تجربه زیسته کودک ایفا می‌کند.

در مقابل در اغلب مدارس مورد بررسی در ایران زیباشناسی گرافیک محیطی بیشتر به‌صورت عنصری تزئینی و محدود به استفاده از رنگ یا تصاویر پراکنده نمود پیدا کرده است. در این رویکرد، پیوند میان عناصر گرافیکی، فضا و تجربه کودک ضعیف‌تر بوده و گرافیک محیطی کمتر به‌مثابه بخشی از فرآیند یادگیری یا تجربه زیباشناختی کودک تلقی می‌شود. در نتیجه، نقش زیباشناسی در این فضاها اغلب به سطح زیباسازی بصری تقلیل یافته و امکان ایجاد تجربه‌ای تعاملی و معنادار برای کودک کاهش می‌یابد.

بر اساس چارچوب نظری گادامر، زیباشناسی زمانی معنا می‌یابد که مخاطب در فرآیند تجربه و تفسیر فعالانه درگیر شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هرچه گرافیک محیطی مدارس به سمت تجربه‌محوری، بازی‌پذیری و پیوند با زندگی روزمره کودک حرکت کند، نقش زیباشناختی آن نیز پررنگ‌تر و اثرگذارتر خواهد بود. از این منظر زیباشناسی گرافیک محیطی در مدارس دوره اول ابتدایی به‌مثابه ابزاری مؤثر در ارتقای کیفیت فضاهای آموزشی، تقویت ادراک زیباشناختی کودک و ایجاد محیطی پویا است.

بر اساس تحلیل تطبیقی انجام‌شده و با اتکا به شاخص‌های زیباشناسی گادامر، می‌توان گفت گرافیک محیطی مدارس دوره اول ابتدایی ایران و فنلاند، اگرچه در برخی اهداف کلی همچون ایجاد نظم بصری، هدایت فضایی و انتقال پیام‌های آموزشی دارای



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

**The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)**

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

شباهت‌هایی هستند، اما در سطح رویکرد زیباشناختی، کیفیت تجربه فضایی و نحوه مواجهه کودک با فضا، تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند.

در مدارس ایران گرافیک محیطی بیشتر به صورت عنصری اضافه شده بر فضا و اغلب با کارکرد تزئینی، اطلاع‌رسان یا آموزشی مستقیم به کار گرفته شده است. عناصر بصری بیشتر بر دیوارها متمرکز بوده و در بسیاری از موارد، ارتباط یکپارچه‌ای با معماری، ساختار فضایی و مسیر حرکت کودک برقرار نمی‌کنند. از منظر زیباشناسی گادامر، این رویکرد موجب می‌شود تجربه زیباشناختی کودک بیشتر در سطح مشاهده منفعلانه باقی بماند و امکان شکل‌گیری بازی تفسیری، هم‌افقی افق‌ها و درگیری فعال مخاطب با فضا محدود شود.

در مقابل در مدارس فنلاند، گرافیک محیطی بخشی جدایی‌ناپذیر از معماری طراحی شده است. عناصر بصری نه تنها در سطوح دوبعدی، بلکه در کف، نور، رنگ، میلمان، مسیرهای حرکتی و فضاهای بینابینی حضور دارند و کودک را به مشارکت، حرکت، کشف و تفسیر دعوت می‌کنند. این رویکرد، با تأکید بر مفاهیمی چون بازی، تجربه و پیش‌فهم‌های کودکانه، زمینه شکل‌گیری یک تجربه زیباشناختی پویا و تعاملی را فراهم می‌سازد که بر نظریه هرمنوتیکی گادامر منطبق است.

از منظر نماد و بازنمایی نیز، تفاوت بارزی مشاهده می‌شود؛ در مدارس ایران نشانه‌ها اغلب صریح، مستقیم و آموزشی‌اند در حالی که در مدارس فنلاند نمادها چندلایه، باز و قابل تفسیر بوده و امکان خوانش‌های متنوع متناسب با افق ادراکی کودک را ایجاد می‌کنند. این امر موجب می‌شود کودک در فرآیند فهم فضا، نه به مثابه دریافت‌کننده پیام، بلکه به مثابه مشارکت‌کننده فعال در معناپردازی حضور داشته باشد.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گرافیک محیطی مدارس فنلاند از انسجام بصری، عمق زیباشناختی و کارکرد تجربه‌محور بالاتری نسبت به مدارس ایران برخوردار است و قادر است بر اساس اصول روان‌شناسی کودک و رویکردهای معاصر زیباشناسی، تجربه‌ای معنادار، پویا و انسانی از فضا برای کودک خلق کند؛ در حالی که گرافیک محیطی مدارس ایران، با وجود ظرفیت‌های بالقوه،



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The first International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

March 17, 2026 GEORGIA

۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۴

همچنان نیازمند بازنگری در رویکردهای طراحی و فاصله گرفتن از نگاه تزئینی صرف و سطحی به زیباشناسی فضاهای آموزشی است.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل تطبیقی گرافیک محیطی مدارس دوره اول ابتدایی ایران و فنلاند، می‌توان پیشنهادهایی کاربردی در راستای بهبود کیفیت فضاهای آموزشی ارائه کرد.

نخست توجه به رویکرد تجربه‌محور و کودک‌محور در طراحی گرافیک محیطی مدارس ایران ضروری به نظر می‌رسد؛ به گونه‌ای که گرافیک محیطی فقط به مثابه عنصر تزئینی تلقی نشده و در پیوندی یکپارچه با معماری، حرکت و فعالیت‌های روزمره کودک طراحی شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود در طراحی گرافیک محیطی مدارس ایران، مفاهیمی چون بازی، تعامل، کشف و مشارکت کودک به مثابه اصول بنیادین مورد توجه قرار گیرند. استفاده هدفمند از رنگ، نشانه‌های چندلایه و قابل تفسیر و پرهیز از پیام‌های بصری صریح و یک‌جانبه، به ارتقای تجربه زیباشناختی و درک فضایی کودکان کمک می‌کند.

از دیگر پیشنهادهای حاصل از این پژوهش لزوم همکاری میان طراحان گرافیک، معماران و متخصصان تعلیم و تربیت در فرآیند طراحی فضاهای آموزشی است. چنین رویکردی منجر به شکل‌گیری فضاهایی می‌شود که علاوه بر کارکرد آموزشی، به رشد ادراک زیباشناختی و کیفیت تجربه زیسته کودک نیز توجه می‌کند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بعدی

با توجه به نتایج و محدودیت‌های پژوهش حاضر زمینه‌های متعددی برای انجام پژوهش‌های آتی قابل پیشنهاد است. نخست، انجام پژوهش‌های میدانی و مشارکتی با حضور مستقیم کودکان و ثبت تجربه‌های زیسته آن‌ها درک عمیق‌تری از نقش گرافیک محیطی در فرآیند یادگیری و تجربه زیباشناختی فراهم می‌آورد.

همچنین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده گرافیک محیطی مدارس در سایر مقاطع تحصیلی یا در بسترهای فرهنگی متفاوت مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد تا امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها افزایش یابد. بررسی تأثیر گرافیک محیطی بر متغیرهایی چون انگیزش تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه و رفتارهای اجتماعی کودکان موضوعات قابل تاملی برای پژوهش‌های بعدی است.

در نهایت، استفاده از رویکردهای میان‌رشته‌ای و بهره‌گیری از نظریه‌های زیباشناختی دیگر در کنار نظریه گادامر، به غنای تحلیل‌ها می‌افزاید و افق‌های تازه‌ای در مطالعه گرافیک محیطی فضاهای آموزشی می‌گشاید.

منابع فارسی

اسداللهی، مصطفی (۱۳۸۹). بررسی نقش عناصر محیطی در کیفیت بصری فضا، منظر، شماره هفتم ایلوخوانی، مسعود (۱۳۸۸). گرافیک محیطی، تهران: انتشارات فاطمی.
پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۴). مبانی برنامه‌ریزی شهری و مدرسه‌سازی. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

منابع انگلیسی

Barrett, P., Davies, F., Zhang, Y., & Barrett, L. (2015). The impact of classroom design on pupils' learning: Final results of a holistic, multi-level analysis. *Building and Environment*, 89, 118–133.

Dudek, M. (2000). *Architecture of schools: The new learning environments*. Architectural Press.

Gadamer, H.-G. (2004). *Truth and method* (2nd rev. ed., J. Weinsheimer & D. G. Marshall, Trans.). Continuum

منبع تصویر

<https://www.archdaily.com/>